



خطی از جسارت، ردی از شرارت

اگر سعید را ردایی داشت برای ادامه بازیگر اول نقش ضدقهرمان در نسل بعدی بازیگران سینمای ایران حتماً آن را بردوش امیر جدیدی می‌انداخت

علیرضا محمودی

الگوی قهرمان پردازی در سینمای ایران تا نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ از نخستین نقل مکتوب و نخستین قصه مؤثر قرن الهام گرفته شده بود. همکاری نقیب‌الممالک و فخرالدوله در ثبت رومانس پهلوانی باعث شد که سنت روایی قهرمان‌سازی در ابتدای قرن الگویی اینجایی داشته باشد. ارسال برای وصال فرخ‌لقای خالدار موانع را با کمک قدرت و فتوت به رسم

در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ در رونق عرضه انواع روایت‌ها قهرمان دیگری وارد عرصه شد؛ قهرمانی که ویژگی‌های قهرمان نقل‌ها و افسانه‌ها را نداشت. شماایل‌ها را پشت سر می‌گذاشت و برای عدالت به روش منحصر به فردی با به میدان می‌گذاشت. این قهرمان برایش چیزی مهم‌تر از عدالت نبود؛ عدالتی که شاید در بسیار مواقع با جسارت و شرارت به‌دست می‌آمد. در این میانه که همه قهرمان نبودند، جایی برای ضدقهرمان‌ها باز شد. تصویر این قهرمانان که اخلاقی شخصی و هدفی شخصی‌تر داشتند از سینما آمد. وسترن‌ها، نوآرها و گنگسترهای هابی که ۷۰ سال پیش

در سینماها یکی پس از دیگری اکران می‌شدند. می‌گویند مهدی بلیغ معروف به آرسن لوپن ایران نقشه سرقت از جواهری هتل پالاس در چهار راه استانبول را از فیلم ریفی فی ژول داسن اقتباس کرده است. چند سال بعد در صف نانوائی

امیر نادری با روزنامه‌ای در دست رسید که ماجرای مهدی بلیغ در آن منتشر شده بود؛ نخستین تلاش برای ساختن فیلمی که ضدقهرمان‌های آن قصد داشتند نقشه مهدی بلیغ را بازسازی کنند. ضدقهرمان دهه ۱۳۵۰ از میان خیابان‌های شلوغ و کوچه‌های تنگ و باشگاه‌های بلیارد و سالن‌های بولینگ با صورتی بدون لب‌خند و سیرتی بدون خوشبختی انتخاب شد: سعید را؛ خالق عابر تنگ‌ترین کوچه‌های

سرنوشت: تنگنا. با چنین میراثی از ثبت ضدقهرمان در سینمای ایران در میان بازیگرانی که در ۲ دهه گذشته وارد چرخه‌های فیلمسازی شدند، فیزیک چهره و شیمی حضور هیچ بازیگری به اندازه امیر جدیدی شایستگی مداوم نقش‌هایی که جسارت و شرارت در آن حرف اول را می‌زند، نداشت.

امیر جدیدی در ۲ فیلم ابتدایی کارنامه هومن سیدی لباس جوانان شرور را برتن کرد. صدایش مزید

بر علت شد تا او برای بازی در نقش جوانان خلافکار انتخاب اول بسیاری از پروژه‌ها باشد. او در فیلم «من» در مقابل لیلا حاتمی که در آن روزگار دو برابر کارنامه امیر جدیدی سابقه بازیگری داشت، مانند یک جوان سرکش که همه چیز را با شور و هیجان به نفع خود تمام می‌کند، کم‌نیامورد و توانست دلبری ميسوطی به راه بیندازد. اما مهم‌ترین فیلم‌های کارنامه جدیدی در راه بودند.

جدیدی در ۲ گروه فیلم با ۳ فیلم در ۲ دهه اخیر خودش را در هنر بازیگری نقش‌های شرورانه تثبیت کرده. لتیان، هت تریک و قاتل اهلی هر کدام با ثبت تلخی و تند و تکاپویی که در سینمای ایران مثال‌زدنی بود. او بهترین‌هایش را در کار با سعید ملک‌ان در روز صفر و اصغر فرهادی در قهرمان و سهیل بیرقی در عرق سرد نیز رو کرد. اگر قهرمانان سنتی با خود گرما و لب‌خند و پایان خوش را به سینما می‌آوردند، قهرمانان مدرن دستاوردی جز سرما و اخم و پایان تلخ نباید داشته باشند.

امیر جدیدی با خود ردی از شرارت و خطی از جسارت را وارد سینمای ایران کرد؛ دستاوردی که باید بیشتر از پیش پرده محافظه‌کاری راویان داستان پردازی در سینمای ایران را کنار بزند. مانند یک فیلم ایرانی که در آن، منوچهر انور آغاز ملکوت بهرام صادقی را روخوانی می‌کند و امیر جدیدی در جزایر جنوب در حال توضیح یک ناممکن است؛ ازدها وارد می‌شود.

فیلم‌هایی که امروز می‌بینیم

به نام پسر

اسکورت
(یوسف حاتمی‌کیا)



ناهید پیشور

«اسکورت»، دومین فیلم حاتمی‌کیای پسر پس از فیلم کم‌هزینه «شب طلایی» می‌تواند گامی جدی برای کسب هویت و خروج از زیر سایه سنگین حاتمی‌کیای پدر باشد. «شب طلایی» که در سال‌های کرونا روی پرده آمد و خیلی دیده نشد، نشان داد یوسف حاتمی‌کیا قرار نیست تکرار ابراهیم حاتمی‌کیا باشد. «اسکورت» قرار است آزمون کارگردانی پسر در عرصه آکسیون و اکشن باشد؛ فیلمی درباره شوتی‌ها که ظاهراً با دشواری‌های فراوانی در پیش تولید و جاه‌طلبی تکنیکی ساخته شده و تماشاگران سینما را پس از سال‌ها بار دیگر به تماشای امیر جدیدی در نقش پلیس سربازی که برای تهیه داروی سرطان دوستش با قاچاقچیان همراه می‌شود دعوت می‌کند. هدی زین‌العابدین هم سال‌ها پس از «عرق سرد» بار دیگر مقابل جدیدی قرار گرفته است. «اسکورت» که گفته می‌شود تجربه‌ای فن‌سالارانه است، می‌تواند نقطه اتکایی برای سازنده‌اش باشد؛ سکوی پرتاب حاتمی‌کیای جوان برای ترسیم جهانی متفاوت و متمایز با پدر نامدارش.

رنگ شب

پروانه (محمد برزویی پور)

نخستین تجربه بلند سینمایی محمد برزویی پور از درام‌های جنایی-معمایی جشنواره امسال است. گرایش کارگردان‌های جوان و فیلم‌اولی امسال به درام‌های معمایی از نکات جالب توجه جشنواره امسال است. «پروانه» با حضور مهدی پاکدل، آناهیتا درگاهی و هومن برق‌نورد قرار است قصه‌اش را از دل بازجویی از یک مظنون به قتل روایت کند و از دل روابطی تودرتو و پیچیده به کشف حقیقت برسد؛ چالشی دشوار برای کارگردان جوان فیلم «پروانه» که باید دید تا چه اندازه به توفیق رسیده است.

روایت شیرین

ماجرای تلخ سقف (ابراهیم امینی)

عضو ثابت تیم محمدحسین مهدویان به‌عنوان همکار فیلمنامه‌نویس و بازیگردان، پس از تجربه اولش «چشم‌بادومی» با موضوع بررسی آسیب‌شناسانه تأثیر موسیقی کی‌پاپ روی دختران نوجوان، در فیلم دومش سراغ جنگ ۱۲ روزه و تبعاتش رفته است. ظاهر ابراهیم امینی در «سقف» روایتی شیرین از ماجرای تلخ ارائه داده؛ جایی که خانواده‌ای گریزان از جنگ به ویلای یکی از بستگانشان می‌روند تا فیلمساز با گذر از تلخی به شیرینی برسد. ترکیب آشنای بازیگران اصلی فیلم، سام درخشانی و بیژن بنفشه‌خواه یادآور سریال‌های تلویزیونی دهه ۹۰ است. سام درخشانی در نقش استاد دانشگاهی که خانه‌اش در حملات رژیم صهیونیستی آسیب دیده، با خانواده‌اش به ویلای بیژن بنفشه‌خواه می‌رود تا از تلخی جنگ به حال و هوایی طنزآمیز برسد.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL

دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۳